



هم کلاسی
Hamkelasi.ir

الدَّرْسُ الرَّابِعُ بِرُكُود

﴿ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴾^۱ الأنبياء: ۹۲
 بی گمان این امت شماست؛ امتی یگانه و من پروردگارتان هستم، پس مرا بپرستید.

الدَّرْسُ الرَّابِعُ (درس چهارم)

التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ (همزیستی مسالمت آمیز)

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةٌ إِسْلَامٍ عَلَىٰ مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَىٰ أُسَاسِ الْمَنْطِقِ وَاجْتِنَابِ أَيِّ الْأِسَاءَةِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:
 رسالت اسلام در گذر زمان بر پایه منطق و دوری از هرگونه بدی (بی ادبی) استوار بوده است. زیرا خداوند می فرماید.

﴿ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴾^۲ فُصِّلَتْ: ۳۴
 - (نیکی و بدی برابر نیستند، [بدی را] به گونه ای که بهتر است دفع کن پس آنگاه (می بینی) کسی که بین تو و او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می گردد.}-

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسْبُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ
 همانا قرآن به مسلمانان دستور می دهد که خدایان مشرکان و کافران را دشنام ندهند.

فَهُوَ يَقُولُ ﴿ وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ... ﴾^۳ الأنعام ۱۰۸
 و آن (قرآن) می فرماید: - {کسانی را که به جای خدا می خوانند، دشنام ندهید که خدا را دشنام خواهند داد.}-^۳

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْأَلَهِيَّةَ؛ ﴿ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا ﴾^۴ آل عمران: ۶۴

اسلام به ادیان الهی احترام می گذارد؛ - {ای پیامبر} (ای پیامبر) بگو: ای اهل کتاب (یهود و نصاری) بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم (یا فقط خدا را بپرستیم) و چیزی را شریک او نگردانیم.}-

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَىٰ حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ: ﴿ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ... ﴾^۵ البقرة ۲۵۶
 قرآن بر آزادی عقیده تاکید می کند: - {در دین هیچ اجباری نیست.}-

لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَىٰ نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا، مَعَ احْتِفَاطٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ ﴿ كُلُّ حِزْبٍ مِمَّا لَدَيْهِمْ قَرْحُونَ ﴾^۶ الروم: ۳۲
 پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی جایز نیست، به خاطر اینکه هیچ کسی از آن سود نمی برد، بر همه مردم لازم است (همه ی مردم باید) که هر کدام با حفظ عقاید خود با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند؛ زیرا - {هر حزب و گروهی به آنچه دارد، دلشاد است.}-

۱- قَاعْبُدُونِي : ف + أُعْبَدُوا + ن (نون و قایه) + ي (ضمیر)

نون و قایه نونی که میان فعل و ضمیر یای متکلم برای حفظ حرکت آخر فعل فاصله می شود.

۲- و نیکی با بدی یکسان نیست. [بدی را] آنچه خود بهتر است دفع کن؛ آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می گردد. (فولادوند)

۳- کسانی را که به جای خدا می خوانند، دشنام ندهید که به خداوند دشنام دهند.

أبِلَادِ الْإِسْلَامِيَّةِ مَجْمُوعَةً مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.
کشورهای اسلامی مجموعه ای از ملت‌های بسیار است که در زبان‌ها و رنگ‌هایشان فرق دارند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: خداوند بلند مرتبه فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾^{الْحَجَرَات ١٣}
-ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید قطعاً گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.}-

يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ. ﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾^{آل عمران: ١٠٣}
قرآن ما را به وحدت و یکپارچگی دعوت می‌کند. -{و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید}-.

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ.
یکپارچگی امت اسلامی در شکل‌های زیادی جلوه‌گر می‌شود. از جمله جمع شدن مسلمانان در یک محل در حج .

الْمُسْلِمُونَ خُمْسُ سَكَّانِ الْعَالَمِ، يَعْشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصَّيْنِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.
یک پنجم ساکنان جهان مسلمانان هستند در پهنای گسترده‌ای از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می‌کنند.

قَالَ الْأَمَامُ الْخَمِينِي رَحِمَهُ اللَّهُ : ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلِمًا يَفْرُقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ إِيجَادَ التَّفْرِقَةِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ.
امام خمینی که خدا رحمتش کند فرمود: هر گاه کسی سخنی بگوید که مسلمانان را پراکنده سازد، پس بدانید که وی نادان است یا دانایی است که برای ایجاد اختلاف در بین صفوف مسلمانان تلاش می‌کند.

وَ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِي: وَرَهْبَانِ آيَةِ اللَّهِ خَامِنِهِ أَي فَرَمُودُنْد:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

هر کس از شما شخصی را ببیند که به تفرقه دعوت می‌کند پس وی مزدور دشمن است.

☆ المَعَجَم ☆ برگرد

<p>قَرَّقَ: پراکنده ساخت قَائِدٌ: رهبر «جمع: قَادَةٌ» قَائِمٌ: استوار، ایستاده سَبَّ: دشنام داد سَكَّانٌ: ساکنان سَلَمِيٌّ: مسالمت آمیز «سَلْمٌ: صلح» سَوَاءٌ: یکسان عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ: در گذر زمان عَمِيلٌ: مزدور «جمع: عَمَلَاءُ» فَضْلٌ: برتری، فزونی لَدَى: نزد «لَدَيْهِمْ: دارند» مَعَ بَعْضٍ: با همدیگر مِنْ دُونِ اللَّهِ: به جای خدا، به غیر خدا</p>	<p>تَعَايَشَ: همزیستی داشت «أَنْ يَتَعَايَشُوا تَعَايُشًا سَلْمِيًّا» نَفَّرَقَ: پراکنده شد لَا تَفَرَّقُوا: پراکنده نشوید جَازٌ: جایز است حَيْلٌ: طناب «جمع: حَبَالٌ» حُرِّيَّةٌ: آزادی حَمِيمٌ: گرم و صمیمی خِلَافٌ: اختلاف خُمْسٌ: یک پنجم دَعَا: فرا خواند، دعا کرد «يَدْعُونَ: فرا می خوانند» ذَكَرَ: مرد، نر فَرِحَ: شاد</p>	<p>احْتَرَمَ: احترام گذاشت أَنْقَى: پرهیزگارترین* احتِفَافٌ: نگاه داشتن إِسَاءَةٌ: بدی کردن إِسْتَوَاءٌ: برابر شد أَشْرَكَ: شریک قرار داد اعْتَصَمَ: چنگ زد (با دست گرفت) أَكْرَمَ: گرامی ترین* أَكَّدَ: تأکید کرد أُنْثَى: زن، ماده أَلَّا: که نه... أَلَّا نَعْبُدَ: که نپرستیم (أَنْ + لا + نَعْبُدُ) أَيُّ إِسَاءَةٍ: بدی کردن تَجَلَّى: جلوه گر شد تَعَارَفُوا: یکدیگر را شناختند «لِتَعَارَفُوا: تا یکدیگر را بشناسید»</p>
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

📖 حَوْلَ النَّصِّ برگرد

- 👈 عَيْنُ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. درست و غلط را طبق متن درس مشخص کنید. ✓ ✗
- ۱- يَجُوزُ الإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَالْعُدْوَانِ، لِلدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِيقَةِ.
پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی، برای دفاع از حقیقت جایز می باشد. (غلط ✗)
- ۲- رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ قَائِمَةٌ عَلَى أُسَاسِ الْمَنْطِقِ وَاجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ.
پیام اسلام بر اساس منطق و دوری از بدی استوار است. (صحیح ✓)
- ۳- عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا.
بر همه مردم واجب است که با یکدیگر بطور مسالمت آمیز همزیستی کنند. (صحیح ✓)
- ۴- لِبَعْضِ الشُّعُوبِ فَضْلٌ عَلَى الْآخَرِينَ بِسَبَبِ اللُّونِ.
برخی از ملت ها به علت رنگ بر بعضی دیگر برتری دارند. (غلط ✗)
- ۵- رُبْعُ سَكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.
یک چهارم ساکنان جهان مسلمان هستند. (غلط ✗)

باز یاد بگیرید

الفعل الثلاثي المزيد (۲)

در درس گذشته با چهار باب از فعل‌های «ثلاثی مزید» آشنا شدیم.

اکنون با چهار باب ثلاثی مزید دیگر (تفاعل، تفعیل، مفاعلة، افعال) آشنا شوید.

باب	الماضي	المضارع	الأمر	المصدر
۵	تَشَابَهَ: همانند شد	يَتَشَابَهُ: همانند می‌شود	تَشَابَهْ: همانند شو	تَشَابَهٌ: همانند شدن
تَفَاعُلٌ	تَفَاعَلٌ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ
۶	فَرِحَ: شاد کرد	يَفْرِحُ: شاد می‌کند	فَرِحْ: شاد کن	تَفْرِيحٌ: شاد کردن
تَفْعِيلٌ	فَعَّلٌ	يُفَعِّلُ	فَعَّلْ	تَفْعِيلٌ
۷	جَالَسَ: همنشینی کرد	يَجَالِسُ: همنشینی می‌کند	جَالَسْ: همنشینی کن	مَجَالَسَةٌ: همنشینی کردن
مُفَاعَلَةٌ	فَاعَلٌ	يُفَاعِلُ	فَاعِلٌ	مُفَاعَلَةٌ
۸	أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می‌آورد	أَخْرِجْ: بیرون بیاور	إِخْرَاجٌ: بیرون آوردن
إِفْعَالٌ	أَفْعَلٌ	يُفْعِلُ	فَعَّلْ	إِفْعَالٌ

شما با حفظ این جدول راحت‌تر می‌توانید به سوالات پاسخ دهید.

مصدر تَعَلَّمَ:	تَعَلَّمَ	تَعَلَّمْ ✓	تعلیم
ماضي يُحَاوِلُ:	تَحَوَّلَ	حَوَّلَ	تَحَاوَلٌ ✓
امر تُرْسِلُ:	أَرْسَلْ	أَرْسِلْ	أَرْسَلٌ ✓

باب	الماضي	المضارع	الأمر	المصدر
تَفَاعُلٌ	تَفَاعَلٌ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ
تَفْعِيلٌ	فَعَّلٌ	يُفَعِّلُ	فَعَّلْ	تَفْعِيلٌ
مُفَاعَلَةٌ	فَاعَلٌ	يُفَاعِلُ	فَاعِلٌ	مُفَاعَلَةٌ
إِفْعَالٌ	أَفْعَلٌ	يُفْعِلُ	فَعَّلْ	إِفْعَالٌ

#بیشتر بدانید:

فعل‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها فقط از سه حرف اصلی است، ثلاثی مجرد گویند.

فعل‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف اصلی است، ثلاثی مزید گویند.

ثلاثی مجرد وزن خاصی ندارند ولی ثلاثی مزیدها وزن خاص دارند.

مهمترین وزن‌های ثلاثی مزید عبارتند از :

إفعال ، تفعیل ، مفاعلة ، تفاعل ، تفعل ، افتعال ، انفعال ، استفعال

الف) بابهای افعال ، تفعیل ، مفاعلة : دارای ۱ حرف زائد.

بابهای تفاعل، تفعّل، انفعال و افتعال: دارای ۲ حرف زائد.
باب استفعال دارای ۳ حرف زائد است.

الف) بررسی باب هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها علاوه به حروف اصلی **یک حرف زائد** دارند: إفعال و تفعیل و مفاعلة

۱ و ۲- باب إفعال و تفعیل: این باب معمولاً برای متعدی کردن افعال لازم به کار می‌روند.

نَزَلَ (= نازل شد) فعل لازم

أَنْزَلَ - نَزَلَ (= نازل کرد) فعل متعدی

فعل لازم (فعلی که با فاعل معنایش تمام شود؛ همان فعل ناگذرا در زبان فارسی را گویند.)

فعل متعدی (فعلی که علاوه بر فاعل، مفعول می‌خواهد تا معنایش تمام شود؛ همان فعل گذرا در زبان فارسی را گویند.)

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ ^{القدر: ۱۰} ما آن [قرآن] را در شب قدر **نازل کردیم**.

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ ^{الفرقان: ۱۰}

بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود فرقان [= کتاب جداسازنده حق از باطل] را **نازل کرد** تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد.

✓ فرق أَنْزَلَ و نَزَلَ :

أَنْزَلَ: (یکباره) نازل کرد / نَزَلَ: (به تدریج) نازل کرد

قرآن، یکبار بصورت یکجا بر پیامبر نازل شده است و بار دیگر به صورت تدریجی که مردم از آن آگاه شده‌اند. (در زبان عربی، «انزال» برای نزول

دفعی و «تنزیل» برای نزول تدریجی بکار می‌رود.) تفسیر نور، محسن قرآنی، جلد ۴، صفحه ۴۲۶

✓ همزه امر باب افعال بر وزن **أَفْعَلْ**، همیشه مفتوح و مقطوع است.

۳- باب مفاعلة: این باب برای مشارکت به کار می‌رود، مشارکتی یکطرفه به نحوی که یکی فاعل و دیگری مفعول باشد.

كَتَبَ عَلَيَّ كِتَابًا. (= علی نامه‌ای را نوشت.)

كَاتَبَ عَلَيَّ صَدِيقَهُ. (= علی با دوستش **نامه نگاری کرد**.)

ب) باب هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها علاوه به حروف اصلی **دو حرف زائد** (بحرفین زائدين) دارند:

تَفَعَّلَ، تَفَاعَلَ، اِنْفَعَلَ، اِفْتَعَلَ

✓ سه باب تفعّل، افتعال و انفعال برای مطاوعه به کار می‌روند؛ یعنی زمانی که ما چیزی را از کسی بخواهیم و او قبول

کند یا بخواهیم تأثیری را در چیزی بگذاریم و آن تأثیر پذیرفته شده باشد.

۴- باب تَفَعَّلَ: این باب معمولاً برای مطاوعه (اثرپذیری) به کار می‌رود.

أَدَّبْتُ الْوَلَدَ فَتَأَدَّبَ. کودک را ادب کردم، پس **با ادب شد**.

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْأِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ. یکپارچگی امت اسلامی در شکلهای زیادی **جلوه‌گر می‌شود**.

این باب گاهی به صورت لازم، و گاهی متعدی استفاده می‌شود.

- ۵- باب تَفَاعَلَ: این باب نیز برای مشارکت دو طرفه به کار می‌رود. تکاتَبَ عَلِيٌّ وَ مُحَمَّدٌ = علی و محمد با یکدیگر نامه نگاری کردند. علی و محمد هر دو در نامه نگاری کردن مشارکت دارند و هر دو فاعل هستند. *علی فاعل و مرفوع است و محمد معطوف و مرفوع به تبعیت از فاعل.

باب تَفَعَّلَ وَ تَفَاعَلَ:

دقت کنید که ماضی این باب با "ت" شروع می‌شود، پس بسیار دقت کنید که در تله نیفتید.

تَفَعَّلَ (ماضی) / يَتَفَعَّلُ (مضارع) / تَفَعَّلْ (امر)
تَفَاعَلَ (ماضی) / يَتَفَاعَلُ (مضارع) / تَفَاعَلْ (امر)

بعضی صیغه های فعل ماضی باب تَفَعَّلَ و تَفَاعَلَ کاملاً با فعل امر یکسان هستند.

فعل ماضی: هُمَا تَفَعَّلَا - هُمُ تَفَعَّلُوا - هُنَّ تَفَعَّلْنَ
فعل امر: أَنْتُمَا تَفَعَّلَا - أَنْتُمْ تَفَعَّلُوا - أَنْتُنَّ تَفَعَّلْنَ

فعل ماضی: هُمَا تَفَاعَلَا - هُمُ تَفَاعَلُوا - هُنَّ تَفَاعَلْنَ
فعل امر: أَنْتُمَا تَفَاعَلَا - أَنْتُمْ تَفَاعَلُوا - أَنْتُنَّ تَفَاعَلْنَ

برای ترجمه و تشخیص آنها، فقط و فقط از سیاق جمله و ضمائر موجود در جمله پی به ماضی و امر بودن آنها می‌بریم. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ﴾ ^{المائدة: ۲} ای کسانی که ایمان آورده‌اید در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید.

گاهی تای مضارع برای سهولت تلفظ حذف می‌شود:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ ^{الحجرات: ۱۳}

ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است.

﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾ ^{قدر: ۴}

در این شب فرشتگان و روح به اذن خدا از هر فرمان نازل می‌شوند.

﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا﴾ ^{آل عمران: ۱۰۳}

همگی به ریسمان خداوند چنگ زنید و پراکنده نشوید.

«أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ... وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ»

دین را به پا دارید و در آن تفرقه نکنید... و از آن جدا نشدند مگر بعد از آن که علم به حقانیت آن پیدا کردند به

خاطر ستمکاری بین خویش. نهج البلاغه، فیض الاسلام نامه ۵۳.

۶- باب انفعال: این باب هم برای مطاوعة (اثربذیری) به کار می‌رود و بصورت لازم استفاده می‌شود.
عَلَقْتُ الْبَابَ فَانْعَلَقَ. در را بستم پس بسته شد.

۷- باب افتعال: این باب نیز معمولاً برای مطاوعة به کار می‌رود.
﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ...﴾ نیکی و بدی برابر نمی‌شوند.

📌 برای تشخیص دو باب افتعال و انفعال :

☑️ اگر حرف دوم نون، جزو حروف اصلی باشد و حرف سوم (ت) باشد باب افتعال است (ت) إكتساب

اما کلماتی مثل:

گروه اول: إنتشار، إنتصار، إنتصاب، إنتباه، إنتقال، إنتخاب، إنتحار، إنتقاد، إنتقام
گروه دوم: انبساط، انجماد، انسداد، إنهدام

(ج) بررسی بابی که اولین صیغه ماضی آن دارای سه حرف زائد (بزیاده ثلاثة أحرف) هست:

۸- باب استفعال برای طلب و درخواست به کار می‌رود .

مانند : اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ . از خدا آمرزش خواستم .

كَمْ إِخْتَبَرَ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ، وَ اَكْتُبْ بِأَبْهَا.

باب	مضارع	ماضی
تفاعل	يَتَعَامَلُ: داد و ستد می‌کند مصدر	تَعَامَلَ: داد و ستد کرد امر


باب	مضارع	ماضی
تفعیل	يُعَلِّمُ: یاد می‌دهد مصدر	عَلَّمَ: یاد داد امر

باب	مضارع	ماضی
مفاعلة	يُكَاتِبُ: نامه‌نگاری می‌کند مصدر	كَاتَبَ: نامه‌نگاری کرد امر

باب	مضارع	ماضی
إفعال	يَجْلِسُ: می‌نشاند مصدر	أَجْلَسَ: نشاند امر

□ در گروه‌های دو نفره، شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جواز برگرد

۲  في صَالَةِ التَّفْتِيشِ بِالْجَمَارِكِ

در سالن بازرسی در گمرک

◆ شُرْطِي الْجَمَارِكِ (پلیس گمرک)	◆ الْزَّائِرَةُ. (خانم زائر)
اجلبي هذه الحقيبة إلى هنا . - این چمدان را به اینجا بیاور.	على عيني، يا أخي، ولكن ما هي المشكلة؟ - به روی چشمم برادر، اما مشکل چیست؟
تفتيش بسيط . بازرسی ساده	لا بأس . - اشکالی ندارد.
عفوًا! لمن هذه الحقيبة؟ - ببخشید این چمدان مال کیست؟	لأسري . - متعلق به خانواده‌ام (مال خانواده‌ام) است.
افتحها من فضلك . ^۳ - لطفاً باز کن.	تفضل، حقيبتی مفتوحة للتفتيش . - بفرما چمدانم برای بازرسی باز است.
ماذا في الحقيبة؟ - چه چیزی در چمدان است؟	فرشاة الأسنان و المعجون و المنشفة و الملابس ... - مسواک و خمیر دندان و حوله و پوشیدنیها (لباسها)
ما هذا الكتاب؟ - این کتاب چیست؟	ليس كتابًا؛ بل دفتر الذكريات . - کتاب نیست دفتر خاطره است.
ما هذه الحبوب؟ - این قرص‌ها چیست؟	حبوب مهدئة، عندي صداع . - قرصهای آرام بخش است، سر درد دارم.
هذه، غير مسموحة. - این غیرمجاز است (ممنوع است)	و لكن أنا بحاجة إليها جدًا. - اما من به آنها خیلی احتیاج دارم.
لا بأس . - اشکالی ندارد.	شكرًا . - متشکرم.
اجمعها و اذهب . - جمعشان کن و برو.	في أمان الله . - در امان خدا

۱- صالَة: سالن ۲- جَمَارِك: جُمرک=گمرک ۳- مِنْ فَضْلِكَ: لطفاً ۴- ذِكْرِيَات: خاطرات

کلمات تمرین برگرد

● التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ النَّصِّ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

۱- رَئِيسُ الْبِلَادِ، الَّذِي يَأْمُرُ الْمَسْؤُولِينَ وَ يَنْصَحُهُمْ لِأَدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ. (قائد : رهبر)
رئیس کشور، کسی است که به مسئولین دستور می‌دهد و آنها را برای انجام وظایفشان نصیحت می‌کند.

۲- عَرَفَ الْبَعْضُ الْبَعْضَ الْآخَرَ. (تعارف: با یکدیگر آشنا شدند)
با یکدیگر آشنا شدند

۳- الَّذِي يَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ. (عمیل : مزدور)
کسی که برای مصلحت دشمن کار می‌کند.

۴- جَزءٌ وَاحِدٌ مِنْ خَمْسَةٍ. (خُمُس : یک پنجم)
یک جزء از پنج

● التَّمْرِينُ الثَّانِي: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»
سَوَاءٌ / الشَّعْبُ / يَجُوزُ / قَائِمَةٌ / فَضْلٌ / لَدَيَّ / مِنْ دُونِ

۱- جَوَّالٌ تَفَرَّغَ بَطَارِيئُهُ خِلَالَ نِصْفِ يَوْمٍ.
ترجمه: تلفن همراهی دارم که باتری آن در نصف روز خالی می‌شود.
پاسخ: لَدَيَّ: دارم

۲- زَمَلَائِي فِي الدَّرْسِ عَلَيَّ حَدٌّ
ترجمه: همکلاسی‌هایم در درس در یک حد مساوی هستند.
پاسخ: سَوَاءٌ: مساوی

۳- لَصَدِيقِي فِي حَسَنِ الْخُلُقِ.
ترجمه: دوستم در خوش اخلاقی برتری دارد.
پاسخ: فَضْلٌ: برتری، فزونی

۴- لَا يَقْبَلُ الْإِيرَانِيَّ أَيُّ ضَغَطٍ.
ترجمه: ملت ایران هیچ فشاری را نمی‌پذیرد.
پاسخ: الشَّعْبُ: ملت

۵- لَا تَعْبُدُوا اللَّهُ أَحَدًا.
ترجمه: کسی را به غیر خدا عبادت نکنید.
پاسخ: مِنْ دُونِ: به جای، به غیر

● التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرَجِّمْ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ. (هَلْ تَعَلَّمْتُ أَنْ ... : آیا می‌دانی که ...)

۱- ... الزَّرَاقَةُ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَعَلَى ثَلَاثِ مَرَّاحِلَ؟
زرافه در یک روز فقط کمتر از سی دقیقه و در سه مرحله می‌خوابد؟





۲- ... مَقْبَرَةٌ «وادی السلام» فی النَّجْفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟
قبرستان «وادی السلام» در نجف اشرف از بزرگترین قبرستان‌های جهان است؟



۳- ... الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَحْدَمَتْ نَقُودًا وَرَقِيَّةً؟
چین اولین کشور در جهان است که پول‌های کاغذی را به کار گرفت؟



۴- ... الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقْفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟
اسب می تواند ایستاده روی پاهایش بخوابد؟



۵- ... أَكْثَرَ فَيْتَامِينَ C لِلْبُرْتُقَالِ فِي قِشْرِهِ؟
بیشترین ویتامین C پرتقال در پوستش است؟

● التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ وَ اَكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

۱- قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَيْبِتَ خَرِبٌ فَتَعَلَّمُوا وَ **عَلِّمُوا** وَ تَفَقَّهُوا، وَ لَا تَمُوتُوا جَهْلًا؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْذِرُ عَلَى الْجَهْلِ.

ترجمه: دلی که در آن چیزی از حکمت نباشد مانند خانه‌ای مخروبه است، پس علم یاد بگیرد و یاد بدهد و بفهمد، و نادان نگیرد؛ زیرا خداوند عذر نادان را نمی‌پذیرد.
پاسخ: عَلِّمُوا: فعل امر (از کسره‌ای که روی لام هست و معنا متوجه می‌شویم) / لَا يَعْذِرُ: فعل مضارع منفی

۲- تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَ **تَعَلَّمُوا** لَهُ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ وَ **تَوَاضَعُوا** لِمَنْ **تَتَعَلَّمُونَ** مِنْهُ وَ لِمَنْ **تُعَلِّمُونَهُ**.

ترجمه: علم را یاد بگیرید و به خاطر علم آرامش و متانت را یاد بگیرید و فروتنی کنید در برابر کسی که از او علم یاد می‌گیرد و در برابر کسی که به او علم یاد می‌دهد.
پاسخ: تَعَلَّمُوا: فعل امر / تَوَاضَعُوا: فعل امر (نوع فعل این گونه از فعل‌ها در باب تَفَعَّلَ و باب تَفَاعَلَ را فقط از معنا و سیاق جمله می‌توان متوجه شویم) / تَتَعَلَّمُونَ: فعل مضارع تَعَلَّمُونَ: فعل مضارع منفی

۳- مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعَطَّارِ إِنْ جَالَسْتَهُ^۳ نَفَعَكَ، وَ إِنْ مَاشَيْتَهُ^۴ نَفَعَكَ، وَ إِنْ شَارَكَتَهُ^۵ نَفَعَكَ.

ترجمه: حکایت مؤمن همانند عطّار است؛ اگر با او هم‌نشینی کنی به تو سود می‌رساند؛ و اگر با او همکاری کنی به تو سود می‌رساند.
پاسخ: شَارَكَتَ: فعل ماضی (تای کشیده «ت»: نشانه فعل ماضی است)

۴- لَا تَجْتَمِعُ خَصَلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبَخْلُ وَ الْكِذْبُ.

ترجمه: دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: بخل (خساست) و دروغ
پاسخ: لَا تَجْتَمِعُ: فعل مضارع منفی

۱- تَفَقَّهُوا: دانش بیاموزید

۲- لَا يَعْذِرُ: عذر نمی‌پذیرد

۳- إِنْ جَالَسْتَهُ: اگر با او هم‌نشینی کنی

۴- إِنْ مَاشَيْتَهُ: اگر با او همراهی کنی

۵- به قول سعدی: کمال هم‌نشین در من اثر کرد / وگر نه من همان خاکم که هستم

التَّمَرِينُ الْخَامِسُ: تَرَجِمُ أفعالَ هَذَا الْجَدْوَلِ وَ مَصَادِرَهَا.

الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ	الْمَصَدَرُ	الْأَمْرُ
أَنْتَجَ: تولید کرد	يَنْتَجُ: تولید می‌کند	إِنْتِاجُ: تولید کردن	أَنْتِجْ: تولید کن
شَجَعَ: تشویق کرد	يَشْجِعُ: تشویق می‌کند	تَشْجِيعُ: تشویق کردن	شَجِعْ: تشویق کن
سَاعَدَ: کمک کرد	يُسَاعِدُ: کمک می‌کند	مُسَاعَدَةٌ: کمک کردن	سَاعِدْ: کمک کن
تَسَاقَطَ: پی در پی افتاد	يَتَسَاقَطُ: پی در پی می‌افتد	تَسَاقُطُ: پی در پی افتادن	تَسَاقُطْ: پی در پی بیوفت
اسْتَخْدَمَ: به کار گرفت	يَسْتَخْدِمُ: به کار می‌گیرد	اسْتِخْدَامُ: به کار گرفتن	اسْتَخْدَمْ: به کار بگیر
انْتَفَعَ: سود برد	يَنْتَفِعُ: سود می‌برد	انْتِفَاعُ: سود بردن	انْتَفِعْ: سود ببر
تَعَلَّمَ: یاد گرفت	يَتَعَلَّمُ: یاد می‌گیرد	تَعَلُّمُ: یاد گرفتن	تَعَلَّمْ: یاد بگیر
انْكَسَرَ: شکسته شد	يَنْكَسِرُ: شکسته می‌شود	انْكَسَارُ: شکسته شدن	انْكَسِرْ: شکسته شو

● التَّمَرِينُ السَّادِسُ: تَرَجِمِ الْآيَاتِ وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا وَ صَيِّغَهَا. ﴿نور السماء﴾

۱- ﴿وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ البقرة: ۲۲
و از آسمان آبی را فرو فرستاد و بدان از میوه‌ها رزق و روزی برای شما بیرون آورد.
- أَنْزَلَ ، أَخْرَجَ ﴿ فعل ماضی، مفرد مذکر غایب

۲- ﴿اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ البقرة: ۲۵
خداوند یار کسانی است که ایمان آوردند، آنها را از تاریکی‌ها به روشنی در آورد.
- آمَنُوا ﴿ فعل ماضی، جمع مذکر غایب / يُخْرِجُ ﴿ فعل مضارع، جمع مذکر غایب

3 ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِدُنْيِكَ﴾ غافر: ۵۵
پس صبر کن (شکیبا باش) که وعده خدا حق است و برای گناه خود آمرزش بخواه.
- اصْبِرْ ، اسْتَغْفِرْ ﴿ فعل امر، مفرد مذکر مخاطب

۴- ﴿وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ﴾ الإسراء: ۱۰۵
و به حق آن را نازل کردیم (فروفرستادیم) و به حق نازل شد.
- أَنْزَلْنَا ﴿ فعل ماضی، متکلم مع الغیر / نَزَّلَ ﴿ فعل ماضی، مفرد مذکر غایب

۵- ﴿قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ البقرة: ۳۰
گفت من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.
- قَالَ ﴿ فعل ماضی، مفرد مذکر غایب / أَعْلَمُ ﴿ فعل مضارع، متکلم وحدة / لَا تَعْلَمُونَ ﴿ فعل مضارع منفی، جمع مذکر مخاطب

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

برگرد

ابْحَثْ عَن آيَاتٍ فِي كُلِّ مِنْهَا فَعَلٌ مِنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ. (فِي كُلِّ آيَةٍ فَعْلٌ وَاحِدٌ).
أَرْسَلْنَا . انْتَظَرُوا . اسْتَغْفِرُ . انْبَعَثَ . تَفَرَّقَ . تَعَاوَنُوا . عَلَّمْنَا . يَجَاهِدُونَ

- ۱- وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ ^{ابراهيم: ٤}
- ۲- قُلْ انْتَظَرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ^{انعام آیه ١٥٨}
- ۳- اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ^{توبه: ٨٠}
- ۴- كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ^{شمس: ١٢ و ١١}
- ۵- وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ ^{بينه: ٤}
- ۶- تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى ^{مائده: ٢}
- ۷- وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ ^ج إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ ^{يس: ٦٩}
- ۸- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ...